





دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی توحید افعالی از دیدگاه اشاعره و نقد آن از دیدگاه شهید مطهری

استاد راهنما:

سرکار خانم نفیسه ساطع

استاد مشاور:

سرکار خانم زهره برقعی

نگارنده:

مریم نورالدینی

بهار ۱۳۹۳

تقدیر و تشکر

از همه اساتید محترم، به‌ویژه استاد سرکار خانم دکتر ساطع و سرکار خانم دکتر برقی بسیار سپاسگزارم، به دلیل یاری‌ها و راهنمایی‌های ایشان که بسیاری از سختی‌ها را برایم آسان نمودند.

هم‌چنین از همسر عزیزم کمال تشکر و قدردانی را دارم که در این راه مرا حمایت کردند.

چکیده:

در این تحقیق سعی گردیده تا با تحلیل توحید و توحید افعالی در مکتب اشاعره به تفسیرهایی که اشاعره از موضوع توحید بر اساس آیات و روایات به دست داده‌اند، پرداخته شود. بدین منظور، با بیان استدلال‌های آن‌ها به مبانی‌ای که دیگر فرقه‌های متکلمان هم‌چون معتزله و امامیه برخلاف دیدگاه آن‌ها آورده‌اند، توجه گردیده و سپس این موضوع بر اساس نظریات شهید مطهری مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته شده است. بر همین اساس، در این تحقیق مباحث کلامی در زمینه‌ی بحث توحید افعالی در اشاعره با تمایز نظریات آن‌ها از دیگر فرقه‌های کلامی، در نظر گرفته شده و از طریق آن به بررسی مفاهیمی چون جبر و اختیار، عدل الهی و علم خداوند بر اساس آیات و روایات در دیدگاه اشاعره توجه شده است. نوع نگرش به نقدهای مربوط به آراء اشاعره در این تحقیق بر اساس نقدهایی است که مطهری بر دیدگاه اشاعره وارد ساخته است؛ بنابر دیدگاه مطهری، اشاعره توحید افعالی را به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که از طرفی، مستلزم نفی نظام علی و معلولی از بین مخلوقات و از طرف دیگر، موجب سلب اختیار انسان است. آنان علت و فاعل همه‌ی افعال و اشیاء را خدا می‌دانند و پیوند بین اجزای طبیعت با یکدیگر را این‌گونه تفسیر می‌کنند که آن را خدا اراده کرده یا عادت او به آن تعلق گرفته است. هم‌چنین از دیدگاه مطهری، برخلاف نظریه جبرگرایانه اشاعره، فاعلیت حقیقی از آن خداوند است؛ اما می‌توان فاعلیت را در طول فاعلیت خداوند برای ماسوی الله نیز قائل شد.

واژگان کلیدی: اشاعره، توحید افعالی، مطهری، عدل الهی، جبر و اختیار

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	بیان مسئله
۳	سوالات تحقیق
۳	فرضیه‌های تحقیق
۳	پیشینه تحقیق
۴	ضرورت تحقیق
۴	اهداف تحقیق

فصل اول: کلیات

۷	۱-۱. معرفی مکتب اشاعره
۹	۱-۱-۱. اهم عقاید و مبانی اندیشه‌ی اشاعره
۱۰	۱-۱-۲. تفکر سیاسی اشعری
۱۱	۱-۱-۳. آثار اشعری
۱۲	۲-۱. معرفی استاد مطهری
۱۲	۲-۱-۱. زندگینامه استاد مطهری
۱۲	۲-۱-۲. اندیشه استاد مطهری
۱۴	۲-۱-۳. آثار استاد مطهری
۱۵	۳-۱. تاریخچه بحث از توحید افعالی

فصل دوم: توحید و اقسام آن

۱۹	مقدمه
۱۹	۱-۲. معنای لغوی توحید
۱۹	۲-۲. معنای اصطلاحی توحید

۲۰ ۳-۲. اقسام توحید
۲۱ ۲-۳-۱. توحید ذاتی
۲۵ ۲-۳-۲. توحید صفاتی
۲۷ ۲-۳-۳. توحید افعالی
۲۸ ۲-۳-۳-۱. مراتب توحید افعالی
۲۸ ۲-۳-۳-۱-۱. توحید در ربوبیت تکوینی
۲۹ ۲-۳-۳-۱-۲. توحید در اطاعت
۲۹ ۲-۳-۳-۱-۳. توحید در حاکمیت
۳۱ ۲-۳-۳-۱-۴. توحید در الوهیت
۳۱ ۲-۳-۳-۱-۵. توحید در عبادت
۳۲ ۲-۳-۳-۱-۶. توحید در خالقیت
۳۴ ۲-۳-۳-۲. توحید در عمل
۳۶ ۲-۴. نتیجه‌گیری فصل دوم

فصل سوم: توحید افعالی از دیدگاه اشاعره

۳۸ مقدمه
۳۹ ۳-۱. بیان اصول کلی مکتب اشاعره درباره‌ی اقسام توحید
۴۰ ۳-۲. دیدگاه اشاعره درباره‌ی افعال و علیت
۴۳ ۳-۲-۱. نظریه عادت الله
۴۴ ۳-۳. نظریه کسب
۵۱ ۳-۳-۱. اصول نظریه کسب
۵۲ ۳-۳-۲. اشعری و نظریه کسب توجیهی برای نظریه جبر
۵۳ ۳-۴. جبر و اختیار و توحید افعالی
۵۷ ۳-۵. ادله قرآنی بر خلق افعال توسط خداوند

۵۸۳-۵-۱. تعدیل و تجویر
۵۹۳-۵-۲. انکار حسن و قبح عقلی و مسئله شرور
۶۲۳-۶. تفاوت دیدگاه اشاعره با دیدگاه معتزله درباره توحید افعالی و دلایل آن‌ها
۶۵۳-۶-۱. بررسی تفویض در کلام معتزله
۶۸۳-۶-۲. نقد دیدگاه معتزله بر اساس آراء امامیه
۷۰۳-۷. تفاوت دیدگاه اشاعره با دیدگاه متکلمین امامیه
۷۷۳-۸. نقد دیدگاه متکلمان بر اساس آراء شیعه
۷۹۳-۹. نتیجه‌گیری فصل سوم

فصل چهارم: نقد دیدگاه اشاعره از دیدگاه استاد مطهری

۸۱مقدمه
۸۱۴-۱-۱. قانون علیت و توحید افعالی
۸۴۴-۲. نقد مطهری بر علم الهی از منظر اشاعره
۸۴۴-۲-۱. متعلق و دامنهی علم الهی
۸۵۴-۲-۲. ویژگی‌های علم الهی
۸۹۴-۲-۳. نقد مطهری بر قضاء و قدر از منظر اشاعره
۹۰۴-۲-۳-۱. تحلیل مفهوم «قضا و قدر الهی»
۹۱۴-۲-۳-۲. سازگاری یا ناسازگاری قضا و قدر الهی با اختیار انسان
۹۶۴-۳. اصل عدل در اشاعره و نقد مطهری
۹۹۴-۴. نظر مطهری درباره‌ی اختیار
۱۰۴۴-۵. نتیجه‌گیری فصل چهارم:
۱۰۵نتیجه‌گیری:
۱۰۷فهرست منابع

مقدمه

در این تحقیق سعی گردیده تا با تحلیل توحید به عنوان مهم‌ترین رکن ایمان و بررسی توحید افعالی، به تبیین‌هایی که اشاعره از این موضوع بر اساس آیات و روایات به‌دست داده‌اند، پرداخته شود؛ هم‌چنین با بیان استدلال‌های آن‌ها به مبانی‌ای که دیگر فرقه‌های متکلمان هم‌چون معتزله و امامیه برخلاف دیدگاه آن‌ها آورده‌اند، توجه گردیده و سپس، این موضوع بر اساس نظریات شهید مطهری مورد بررسی قرار گرفته است.

موضوع توحید به عنوان نخستین اصل از اصول دین اسلام که در بردارنده نهایت سعادت انسانی است، در دو بعد نظر و عمل مطرح می‌شود که در این میان درک صحیح توحید افعالی، هم به لحاظ توجیه نظری دارای اهمیت است، هم برای رسیدن به درجات عالی توحید عملی ضروری است.

توحید نه تنها اولین اصل دین است بلکه بازگشت تمامی اصول دیگر نیز به سوی آن و با آن دارای معنا است، با توجه و تأمل بیشتر در اصل توحید در می‌یابیم که روح توحید بر سراسر آموزه‌های اسلام سایه افکنده است.

توحید افعالی بیانگر آن است که خداوند در افعال خود، نیاز به چیزی نداشته و در فعل خود مستقل است. بررسی این مسأله که تنها فاعل حقیقی خداست و مؤثری جز او در عالم نیست (مفاد اصلی توحید افعالی) زمینه‌ساز پرسش‌های زیادی است؛ ولی اشاعره برای اثبات توحید افعالی و نفی شریک در خالقیت و فاعلیت خداوند از غیر خدا نفی فاعلیت کرده‌اند و هر حادثه‌ای را مستقیماً صادر از واجب تعالی دانسته و برای هیچ چیز و هیچ کس دیگری

نقش قائل نشده‌اند و به خاطر ظواهر کثیری از آیات مانند «يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»^۱ و اخباری مثل «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» معتقدند که بین اشیاء رابطه معلولیت و علیت وجود ندارد و مبدأ همه چیز یک وجود واجب با قدرت است و از سایر اشیاء سلب قدرت نموده و هیچ فعلی را هم از انسان نمی‌دانند. بررسی و ارزیابی صحت و سقم دیدگاه اشاعره بنابر مبانی فکری شهید مطهری مسأله اساسی مورد بحث در این تحقیق خواهد بود. بر همین اساس، به موضوع‌هایی هم چون مبحث عدل الهی، اختیار و تقدیر، علم خداوند که مباحثی کلامی و فلسفی در حیطه‌ی الهیات است توجه شده است.

بیان مسئله

در این تحقیق سعی می‌شود تا با بررسی دیدگاه اشاعره در زمینه‌ی توحید افعالی و تحلیل ادله‌ی آن‌ها به نقدها و شبهاتی پردازیم که با توجه به آرای شهید مطهری در زمینه‌ی توحید افعالی به اشاعره وارد شده است.

در این باره، به موضوعاتی هم‌چون معنایی که اشاعره برای توحید افعالی در نظر داشته‌اند و آن را به فاعلیت خداوند به تنهایی و نفی فاعلیت غیر خدا به طور مطلق تفسیر می‌کردند، هم‌چنین به این موضوع که اشاعره در اثبات ادعای خود به ادله کلامی و نقلی از جمله آیه: «يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» استناد می‌ورزند و این که بنابر دیدگاه شهید مطهری به این موضوع توجه شده که با این که فاعلیت حقیقی از آن خداوند است؛ به این معنا که می‌توان فاعلیت در طول فاعلیت خداوند را برای ماسوی الله نیز قائل شد. بنابر همین اصل، به نقدها و بررسی‌هایی که ایشان در این زمینه انجام داده‌اند و تمایز میان اندیشه‌های امامیه را با اشاعره {و معتزله} در این زمینه مشخص نموده‌اند، پرداخته می‌شود.

با توجه به موضوع توحید افعالی، به آراء و اندیشه‌های فرقه‌های مختلف متکلمان هم‌چون معتزله و شیعه توجه کرده و مباحث کلامی را که در زمینه‌ی بحث توحید افعالی در میان این فرقه‌ها صورت گرفته است، مورد تحلیل و بررسی قرار داده و از طریق آن به بررسی مفاهیمی؛ چون جبر و اختیار، عدل الهی، حدوث و قدم عالم بر اساس آیات و روایات پرداخته

۱- نحل، ۹۳.

شده است. آنچه در این تحقیق دارای اهمیت است بررسی توحید افعالی بر اساس نقدهایی است که مطهری بر دیدگاه اشاعره وارد ساخته است. به این دلیل که به نوعی آثار او معرف پایه‌های کلامی جدید در عصر حاضر می‌باشد و شرحی که او بر کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبائی نوشته‌اند مؤید این گفتار می‌باشد.

سوالات تحقیق

۱. دیدگاه اشاعره درباره توحید افعالی چیست؟

۲. ادله‌ی اشاعره درباره دیدگاهشان در مورد توحید افعالی چیست؟

۳. نقدها و شبهات وارد بر دیدگاه اشاعره در مورد توحید افعالی با توجه به آرای شهید

مطهری چیست؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. اشاعره توحید افعالی را به معنای فاعلیت خداوند به تنهایی و نفی فاعلیت غیرخدا به

طور مطلق تفسیر می‌کنند.

۲. اشاعره در اثبات ادعای خود به ادله کلامی و نقلی از جمله آیه: «يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ

وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» استناد می‌ورزند.

۳. بنابر دیدگاه شهید مطهری، فاعلیت حقیقی از آن خداوند است؛ اما می‌توان فاعلیت

در طول فاعلیت خداوند را برای ماسوی الله نیز قائل شد.

پیشینه تحقیق

برای بررسی موضوع توحید افعالی از دیدگاه اشاعره می‌توان به کتاب‌هایی که از

متکلمان اشعری هم چون غزالی باقی مانده هم چنین مقالاتی که در این باره نوشته شده

پرداخت. به عنوان مثال توحید افعالی در کلام مولوی و کلام اشعری نوشته مرتضی شجاری

هم چنین درباره توحید افعالی پایان‌نامه‌هایی تحت عنوان: تقریرهای مختلف ملاصدرا از توحید

افعالی و لوازم آن، توحید افعالی از دیدگاه قرآن و عقل، توحید افعالی در تفسیرالمیزان ارائه

گردیده است و در مورد آراء شهید مطهری نیز در مورد دیدگاه اشاعره می‌توان به کتاب‌هایی

هم‌چون آشنایی با علوم اسلامی جلد دوم هم‌چنین کتاب عدل الهی مراجعه نمود؛ اما در مورد بررسی توحید افعالی از دیدگاه اشاعره و نقد آن بر اساس آرای شهید مطهری پایان‌نامه‌ای ارائه نگردیده است.

ضرورت تحقیق

می‌توان در مورد ضرورت این تحقیق چنین گفت که بررسی مباحثی که در اوایل ظهور اسلام سبب شکل‌گیری کلام و تفکر در آیات و روایات گردید، از این لحاظ دارای اهمیت است که پیشینه‌ی موضوعاتی است که امروزه کلام جدید با آن‌ها مواجه است و بررسی این پیشینه سبب آشنایی با چگونگی استدلال‌ها یا اشتباهات فرقه‌های مختلف کلامی در مواجهه با چگونگی تفسیر آیات قرآن یا پرهیز از تفسیر در آن دارد. بنابراین، نیازهای علمی و عملی انجام این تحقیق را ضروری می‌سازد. و این موضوع به دلیل اهمیت نظریه‌ی کلامی در مورد اختیار انسان و هم‌چنین مختار بودن خداوند است، سوالی که اشاعره را مجبور به اعتقاد بر اندیشه-های کلامی‌ای کرد که بعضاً با اندیشه‌ی عقلانی و آنچه در زندگی عادی با آن مواجهیم متناقض است، بنابراین در این تحقیق سعی شده تا با بیان اندیشه اشاعره در این زمینه و بررسی آن با استفاده از کتب یکی از مهمترین اندیشمندان معاصر-مرتضی مطهری- به نقدهای وارد بر آن پرداخته شود.

اهداف تحقیق

مبحث توحید افعالی در اشاعره موجب پذیرفتن یا رد نظریه‌هایی می‌گردد که گاهاً با تفکر عقلانی و یا دریافت عمومی افراد متناقض است؛ و از این رو که این فرقه کلامی مدعی است که رهیافت‌های کلامی ایشان از قرآن و احادیث نشأت گرفته بنابراین هدف اصلی این تحقیق پرداختن به این موضوع بر اساس کتب و اندیشه‌های یکی از مهمترین اندیشمندان امامیه و معاصر برای نقد و پاسخ‌گویی به اشکالاتی است که بر اساس نظریه اشاعره از توحید افعالی بدست می‌آید.

از مهم‌ترین اهداف این تحقیق بررسی نظریه‌های فرقه‌هایی است که در آن‌ها تفکر و تأمل در آیات بر اساس دیگر آیات، مورد نظر قرار گرفته نشده و بر اساس ظاهر آیات بدون

در نظر گرفتن زمینه‌ی بیان آیات تبیین‌هایی بدست داده‌اند که با تجربه‌ی عادی انسان در تناقض بوده است. به عنوان مثال: می‌توان به موضوع نبود اختیار در افعال انسانی اشاره کرد که توسط اشاعره مورد تأکید قرار می‌گرفته است. بنابراین، سعی می‌گردد در این تحقیق با اصولی که مطهری در نقد این افکار به دست می‌دهد به مواضع کلامی امامیه توجه کنیم.

فصل اول

کلیات

۱-۱. معرفی مکتب اشاعره

مکتب کلامی اشاعره، یکی از مذاهب کلامی اهل سنت است که در کتب تاریخ و فرق و مذاهب از آن با اسامی دیگری؛ چون اشعریه، اهل تحقیق، مذهب اوسط و صفاتیه یاد می-شود. این مکتب توسط ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری بنیان‌گذاری شد.^۱ در این باره در اغلب کتب تاریخی آمده است که در سال ۳۰۵ هـ ق ابوالحسن اشعری در بالای منبر بصره برائت خود را از مذهب اعتزال اظهار نمود و اعتقاد خود را به مذهب اهل حدیث اعلام کرد و با این کار مذهب اشاعره را پایه‌گذاری نمود و سپس، در سال ۵۸۰ هـ ق این مذهب توسط جمعی از علمای تابعین در جهان اسلام انتشار پیدا کرد.^۲ تا جایی که در قرن نهم هجری آن را مذهب رسمی جهان اهل سنت معرفی می‌کردند که هر کس با اصول آن مخالفت کند خون او ریخته می‌شود.^۳

اشاعره آموزه‌های معتزلی و اهل حدیث (دو مکتب کلامی دیگر از اهل سنت) را به طور توأم نفی می‌کردند و با رد نقش اکتشافی عقل و پذیرش نقش دفاعی آن، حجتی نسبی برای عقل قائل شدند.^۴

شرح حال ابوالحسن اشعری

ابوالحسن اشعری از نوادگان ابوموسی اشعری _ یکی از صحابه‌ی پیامبر(ص) و حَکَم سپاه حضرت علی(ع) در جنگ صفین _ می‌باشد.^۵ وی در سال ۲۶۰ هجری در بصره متولد شده و در سال ۳۲۴ هجری در بغداد درگذشت.^۶ اشعری تا چهل سالگی تحت تعلیم ابوعلی

۱- علی محمد ولوی، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، (تهران: موسسه انتشارات بعثت، ۱۳۶۷)، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲- جعفر سبحانی، فرهنگ عقاید اسلامی، (قم: انتشارات توحید، ۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۳۴-۳۶.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۲۰.

۴- فیرحی، داود، روش شناسی دانش سیاسی در تمدن اسلامی، (قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۱۵۸.

۵- علی محمد ولوی، ص ۴۵۴.

۶- حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ج ۱، ص ۲۲۹.

جبائی اصول و مبانی اعتزال را فراگرفته و معتقد به اندیشه‌های معتزله بود. وی در سال ۳۰۰ هجری از اندیشه‌ی معتزله اعلام برائت کرده و مکتب خود را پایه‌گذاری کرد.^۱

علت جدائی اشعری از معتزله

این که چرا اشعری از اندیشه‌ی معتزله برگشت خود پرسشی است که در منابع مختلف به آن پرداخته‌اند. رویای اشعری،^۲ مناظره‌های او با جبائی،^۳ و به گفته‌ی ابن خلدون اختلاف او با معتزله در موضوع خلق قرآن از جمله‌ی این علل است.^۴

زمانه‌ی شکل‌گیری مکتب اشاعره

اشعری مکتب خویش را زمانی پایه‌گذاری کرد که معتزله گرفتار نوعی رکود شده بود و خلفای عباسی و حکام، آنان را طرد کرده بودند. هم‌چنین پایگاه توده‌ای محکم و استواری نداشتند و مردم به آن‌ها با سوءظن و تردید می‌نگریستند. چرا که در افکارشان، دوری از قرآن و حدیث و نزدیکی به مفاهیم نظری و کاملاً ذهنی فلسفه‌ی یونان مشهود و محسوس بود.^۵

ابوالحسن اشعری با دوری از دیدگاه عقل‌گرایانه و افراطی معتزله در صدد برآمد تا با تمسک به آموزه‌های دینی، صرفاً عقل را در دفاع از آن‌ها به کار گیرد و جنبه‌ی مقبول‌تری به آن‌ها بدهد.

شخصیت‌های کلامی برجسته مکتب اشعری

از میان تربیت یافتگان مکتب اشعری ابوبکر باقلانی (۴۰۳ هـ) و قاضی عبدالجبار (۴۱۵ هـ) از همه مشهورترند. عالمانی هم‌چون ابن فورک (۴۰۰ هـ) خطیب بغدادی (۴۶۳ هـ) امام الحرمین جوینی (۴۷۸ هـ) و امام محمد غزالی (۵۰۵ هـ) از مهمترین شخصیت‌های کلامی مکتب اشعری بوده‌اند.^۶

۱- همان، ص ۲۳۱.

۲- همان، ص ۲۳۲.

۳- علی‌محمد ولوی، ص ۴۵۶.

۴- ابن خلدون؛ مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲)، ج ۲، ص ۹۴۶.

۵- علی‌محمد ولوی، ص ۴۵۰.

۶- حسین صابری، ص ۲۵۰-۲۸۰.

۱-۱-۱.۱.۱ هم عقاید و مبانی اندیشه‌ی اشاعره

۱- اعتقاد اشاعره در مورد جایگاه عقل

در مورد اعتقاد اشاعره به جایگاه عقل در تفسیر قرآن می‌بایست گفت که اشاعره اعتماد و اتکاء مطلق به عقل را جایز نمی‌دانسته و معتزله را در این مورد سرزنش می‌کرده‌اند. با این حساب اشعری در زمینه‌ی اعتماد به عقل جانب میانه را اتخاذ کرده و مذهب میانه را اختیار کرد، بدین معنا که نه به شیوه معتزله پای‌بند که اصالت را به عقل داده بودند و نه به شیوه‌ی فرقه‌هایی که هیچ اعتباری برای عقل قائل نمی‌شدند. در این باره شهرستانی از قول اشعری نقل کرده که: «معرفت خدا به عقل حاصل شود و به شرع واجب گردد».^۱

۲- صفات خدا

از نظر اشاعره، خداوند قدیم است و صفات او؛ یعنی علم، قدرت، اراده، حیات، سمع، بصر و کلام همه قدیم‌اند و در مجموع هشت صفت قدیم خداوند را تشکیل می‌دهند.^۲

۳- رویت

اشاعره از این لحاظ به رویت خداوند معتقدند که خداوند را موجود به معنای شیء می‌پندارند، پس بدین دلیل، آن را قابل رویت می‌دانند؛ اما به نظر ما در عین حال نباید برای خدا جهت، مکان، صورت و... تصور کرد و او را در مقابل خود فرض نمود.^۳

۴- افعال انسان و مساله‌ی کسب

اشعری معتقد است خداوند خالق افعال است و انسان تنها کسب‌کننده فعلی است که خداوند آن را به دست انسان ایجاد می‌کند. نظر وی در این باره چنین است: «حقیقت در نزد من (این است که معنای اکتساب و کسب کردن، وقوع فعل همراه و هم‌زمان با قوه حادث است. پس، کسب‌کننده فعل کسی است که فعل همراه قدرت در او ایجاد شده است.»^۴ بدین

۱- محمد ابن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، (قاهره: تصحیح سیدمحمد گیلانی، ۱۹۶۱)، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲- علی محمد ولوی، ص ۴۶۸.

۳- همان، ص ۱۲۳.

۴- ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۲)، ط ۳ ص ۵۳۲.

معنا که خداوند عادت -سیر طبیعی جهان- را چنین جاری کرده است که در بنده قدرت و اختیاری ایجاد کند که هرگاه مانعی در مقابل آن نباشد فعل مقدور مقارن آن ایجاد شود.

۵- تکلیف بمالایطاق به گفته شهرستانی، اشعری تکلیف بمالایطاق را جایز دانسته است؛^۱ یعنی به نظر اشعریان رواست که خداوند بنده‌ای را مامور به امری نماید که از حوزه‌ی توانایی او خارج است. مثلاً به انسانی بدون بال، به پریدن مثل پرندگان امر شود.

۶- حسن و قبح اعمال

اشاعره ملاک حسن و قبح اعمال را شرع دانسته‌اند؛ یعنی هر چیزی که شارع بدان امر کرده حسن است و هر چه از آن نهی کرده قبیح است.

۷- ایمان

از نظر اشعری ایمان تصدیق به دل است؛ اما اقرار به زبان و عمل به ارکان دین از جمله‌ی فروع ایمان است. اشعری می‌گوید ایمان توفیقی است که خداوند به بنده‌هایش عنایت می‌کند و منظور از توفیق آفریدن قدرت بر طاعت است.^۲

۸- توقف در کفر و ایمان، مرتکب گناهان کبیره

به اعتقاد اشاعره، اگر کسی گناه کبیره مرتکب شود، نمی‌توان او را مومن ندانست، اصولاً تعیین تکلیف برای چنین مواردی از عهده‌ی انسان خارج است و باید آن را به خدا واگذار کرد.^۳

۱-۱-۲. تفکر سیاسی اشعری

در مورد تفکر سیاسی اشعری چنین می‌توان گفت که وی کوشید با پشتبانی کلامی، مشروعیت دینی خلفای راشدین را اثبات کند. او از همه‌ی اصول اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) برای این هدف بهره گرفت هر چند به بعضی بهای بیشتری داد (مانند نص در مقابل عقل). به حق اشعری بنیادهای نظریه‌ی اهل سنت را در دانش سیاسی استوار ساخت و مواضع

۱- محمد ابن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ص ۱۲۴.

۲- علی محمد ولوی، ص ۴۷۴.

۳- همان، ص ۴۷۵.

سیاسی پیشین آنان را با تکیه بر اصول نظریه‌مند نمود و کلام سیاسی را بر مبنای گذشته تشریح و قانون‌مند ساخت. که عبارتند از:

۱- عدالت صحابه

با توجه به اختلافی که اهل سنت در تعریف صحابه دارند. در مجموع صحابه به مسلمانانی گفته می‌شود که همنشین پیامبر(ص) بوده‌اند و از مصاحبت پیامبر(ص) بهره برده‌اند. به اعتقاد اشعری همه‌ی صحابه عدالت دارند. لذا اجتماع آن‌ها بر خلافت ابوبکر و دیگر خلفا حجت است و به طور کلی مشروعیت خلافت اسلامی را تمهید می‌کند.

۲- تصویب در اجتهاد

به اعتقاد شیعیان، مجتهد ممکن است در استنباط احکام اجتهادی خطا کند، شیعیان چنین می‌اندیشند که خداوند در هر مسئله از مسائل شرعی یک حکم دارد که ممکن است مجتهد آن را به دست نیاورد و به خطا رود؛ اما اهل سنت معتقدند خداوند به تعداد آرای مجتهدین حکم وجود دارد و هر آنچه محصول اجتهاد آحاد مجتهدین است، مساوی با حکم خدا است. به چنین تفکری تصویب گفته می‌شود.^۱

۱-۱-۳. آثار اشعری

آثار و تالیفات بسیاری به اشعری نسبت داده شده است. ابن عساکر در کتاب «تبیین کذب المفتری» شماری از آن‌ها را نام برده است. مهم‌ترین آثار به جای مانده از اشعری عبارتند از: ۱- مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین ۲- الابانه عن اصول الدیانه ۳- استحسان الخوض فی علم الکلام ۴- اللمع^۲

۱- داود فیرحی، قدرت دانش و مشروعیت در اسلام، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸)، ص ۲۴۶-۲۵۰.

۲- ابن عساکر، تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الاشعری، (بیروت: دار الجیل، ۱۹۹۵)، ص ۱۷۷-۳۳۰.

۱-۲. معرفی استاد مطهری

۱-۲-۱. زندگینامه استاد مطهری

استاد مطهری از برجستگان عالم اندیشه اسلامی است. وی در قریه فریمان در نزدیکی مشهد متولد شد و در نوجوانی به حوزه علمیه این شهر و پس از چند سال به حوزه علمیه قم رفت. این دوران زمانی بود که رضا شاه بر حوزه‌های علمیه فشار وارد می‌کرد و تنها اندکی از فوت حاج شیخ عبد‌الکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم می‌گذشت. مطهری مدت ۱۵ سال در قم و در محضر بزرگانی؛ چون بروجردی، امام خمینی هم‌چنین سید محمد حسین طباطبایی فیلسوف عالی‌قدر جهان اسلام گذرانید.

استاد مطهری به سال ۱۳۳۱ به تهران آمد و در مدرسه مروی به تحقیق مشغول شد و سه سال بعد به عنوان استاد دانشگاه در دانشکده الهیات و معارف اسلامی آغاز به کار کرد. فعالیت‌های سیاسی مطهری به‌طور جدی با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد. در زندگینامه مختصری که در مقدمه آثار وی چاپ شده چند بار زندان و بازداشت در کارنامه فعالیت‌های وی ثبت شده است که اولین آن ۱۵ خرداد ۴۲ بود. مطهری در رهبری مذهبی هیات‌های مؤتلفه اسلامی هم شرکت داشت. وی در سال ۱۳۴۶ به اتفاق جمعی دیگر در تاسیس حسینیه ارشاد نقش مهمی برعهده گرفت. مطهری در شرایط به ثمر رسیدن نهضت اسلامی از معتمدین و مشاورین اصلی امام خمینی (ره) بود و از سوی او عهده‌دار مسئولیت‌هایی در تشکیل شورای انقلاب گشت. وی سرانجام در سال ۱۳۵۸ از سوی گروه تروریستی فرقان که گرایش افراطی ضد روحانی داشتند، ترور شد.^۱

۱-۲-۲. اندیشه استاد مطهری

از مهم‌ترین وجه‌های اندیشه‌های مطهری تأکید وی بر کارآیی اصول اساسی دین اسلام در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشری می‌باشد. مطهری معتقد بود که باید اسلام را آن‌طور که هست به مردم معرفی کرد، نه چیزی به آن افزود و نه کاست، به تعبیر دیگر اسلام را بدون

۱- محمدجعفر طبسی، گلشن ابرار (خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل)، (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۲)، ج ۲،

آرایش و پیرایش عرضه کرد، به نظر وی، آن‌گاه «فطرت حقیقت جوی» انسان‌ها به سوی اسلام جذب خواهد شد.^۱

فلسفه اسلامی

در مورد اندیشه مطهری درباره فلسفه اسلامی چنین باید گفت که وی برخلاف کسانی؛ چون فردید که فلسفه اسلامی را ذاتاً یونانی می‌دانند، برای فلسفه اسلامی اصالت خاصی قائل است. از این روی نه تنها مانند فردید و اصحاب مکتب تفکیک، فلسفه اسلامی را مغایر با اندیشه اصیل اسلامی نمی‌داند، که حتی در ریشه‌یابی آن به متون دینی نیز رجوع می‌کند. به نظر مطهری، اکثر فلاسفه اسلامی شیعه بودند، چرا که عقل شیعی از ابتدا عقل فلسفی بود.^۲

مارکسیسم

یکی از مهم‌ترین ابعاد فکری مطهری تحلیل‌ها و نقدهای وی بر مکاتب ماتریالیستی از جمله مارکسیسم است. مطهری در نقد معرفت‌شناسی مارکسیسم معتقد بود که ادراک امری مادی نیست و مغز فقط یک ابزار است و عمل ادراک به وسیله روح غیرمادی صورت می‌گیرد. او هم‌چنین معتقد بود که پل ارتباطی میان ذهن و خارج ماهیت است و مفاهیم ذهنی آثار مصادیق خارجی را ندارند. به طور مثال اگر جسم خارجی دارای حرکت است نیازی نیست که صورت ذهنی آن هم متحرک باشد. حرکت لازمه وجود خارجی است، نه وجود ذهنی.^۳

به نظر مطهری، مارکس در تحلیل‌های اجتماعی خود رشد همه‌نهادهای فکری را وابسته به نهاد اقتصادی می‌داند در حالی که به زعم مطهری ابزار تولید بدون انسان رشد پیدا نمی‌کند. در واقع تکامل ابزار تولید، معلول تکامل انسان است نه برعکس.^۴

تمدن اسلامی

۱-مرتضی مطهری، مسأله حجاب، (قم: انتشارات صدرا ۱۳۸۶)، ص ۱۳
۲- عبدالله نصری، رویارویی با تجدد، (تهران: نشر علم، ۱۳۸۶)، ص ۱۶۱.
۳- همان، ص ۱۹۵
۴- مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، (تهران: نشر صدرا، ۱۳۸۸)، ج ۳، ص ۴۰.